

ما خواستار آتش بس فوری
در کردستان و پایان دادن
به سرکوب خلق کرده‌ستیم

کسب

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۸

قیمت ۱۵ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۳۰

زیر پوشش اسلام!

خلفای ایران را سرکوب می‌کنند و فرزندان راستین خلق را به جوخه‌های آتش می‌سپارند

● مصطفی جمران یکی از عوامل سرکوب خلق کرد فاجعه تل رعتز دیگری را تدارک دیده است

● این اعدامها که بدون هیچگونه محاکمه‌ای بدستور یک بیمار روانی که بیش از یکسال در بیمارستان جهرازی بستری بود بنام حاکم شرع صورت گرفت خاطره نوم بیدادگاههای نظامی رژیم سابق را زنده کرد



این رسم توست که ایستاده بهیچری
این صحنه‌ای است تکان دهنده از جنازاتی که برای همیشه در خاطره ما باقی خواهد ماند صحنه در آوری از کشتار
بیزحمانه چندان از کشتار رژیم سابق را زنده کرد

● جنیک فدائی خلق یوسف کنی زاده و یازده نفر دیگر از اعضا و هواداران سازمان هاندگرچی بیانی و دکتر ابوالقاسم رشوند در میان اعدام شدگان بودند

یادشان گرامی باد

● رفیق شهید یوسف کنی زاده یکی از اعضاء قدیمی سازمان بود که در سال ۱۳۵۲ توسط رفیق شهید مرضیه احمدی اسکولی به عضویت سازمان درآمده بود

● دکتر ابوالقاسم رشوند که تنها با خطر ایستادگی در عقاید و آرمانهای مردمی اش اعدام شد از ابتدای قیام هرکجا که در خیمان مردم را بگلوله می‌بستند بکشت

زخمی شدگان می‌شناخت



رفیق شهید ابوالقاسم رشوند سرداری

بیش از یک هفته است که سرکوب خلق قهرمان کرد را با بی رحمانه‌ترین و غیر انسانی‌ترین شیوه‌ها آغاز کرده‌اند. مرتجعین و انحصار طلبان برای محاقنه جلوه دادن سرکوب خلق کرد و برای جلوگیری از پیش حقایق و آگاهی توده‌ها ابتدا مطبوعات مترقی را بستند و سپس عوام فریبی‌های خود را توسط رادیو - تلویزیون انحصاری و مطبوعات کذابی آغاز کردند. آنها برای محرف نمودن اذهان عمومی و توجیه کشتار بی رحمانه خلق کرد، یک روز خبر توطئه‌های افسادی و سرسپردگان شاه سابق را بزرگتر از آنچه بود جلوه می‌دادند. یک روز دسیسه‌ها بقیه در صفحه ۲

شرح مختصری از زندگی مبارزاتی فدائی خلق رفیق شهید یوسف کنی زاده در صفحه ۲

مبارزه برای کسب آزادی و حقوق دمکراتیک وظیفه مبهم همه نیروهای انقلابی و مترقی است

سرنجام همانگونه که پیش بینی می‌شد و ما بارها بر آن تاکید کرده بودیم آزادی‌هایی که مردم با آن همه فداکاری و از خود گذشتگی و به بهای خون شهیدان به دست آورده بودند، از طرف انحصار طلبان ناپدید می‌گردد. از آنجا که رهبری مبارزات قهرمانانه مردم ایران را طبقه کارگر یعنی همان نیروی عمده انقلاب، ترورها، کتله‌سوزان‌ها و انواع برخورد های وحشیانه دیگر ماهیت خود را وابسته رادیکال کند و از همین روی کار دیگر مبارزات خلقی ایران تا کام مانسد. مردم رژیم شاه را به گور سپردند، اما، آنچه که می‌بینیم دیکتاتوری نوینی است جای دیکتاتوری پیشین نشسته و با شتاب تمام در حال محکم کردن بندهای مبارت به پای مردم به ویژه زحمتکشان میهن ما است. بهار آزادی عمری پس کوتاه داشت و انحصار طلبانی که در ماههای گذشته با تهاجمات، ترورها، کتله‌سوزان‌ها و انواع برخورد های وحشیانه دیگر ماهیت خویش را نشان داده بودند، سرنجام بکه تاز میدان شدند. سرکوب خلق، اعدام‌ها و برچسب‌ها دوباره تکرار شد. "خرابکار"، "اخلالگر"، "عوامل بیگانه" و امثال آن برای مردم ما اصطلاحات آشنائی هستند. رژیم گذشته سالها دراز بهترین و مبارزترین میهن پرستان ایران را به همین القاب مزین می‌کرد و شگفتناکه همین حاکم نیردست همین آنها را به کسانی می‌زند که تا دیروز در رژیم شاه "اخلالگر" و "خرابکار" و غیره خوانده می‌شدند و دلاورانه شربت شهادت می‌نوشیدند و با سرعت ترین مبارزات را به دوش می‌کشیدند. سرکوب آزادی‌ها، تهاجم به سازمانهای انقلابی، اعدام‌های وحشیانه‌ای که بقیه در صفحه ۲

توضیح درباره نشریه "کار"

پورش همه جانبه به آزادی‌ها که به منوعیت همه روزنامه‌های ترقیخواه از جمله نشریه کار انجام میدار آن داشت که برای انتشار نشریه کار در شرایط سخت خفقتانی جدید روشها و سازماندهی‌های جدیدی را به کار گیریم. از همین رو بود که در انتشار نشریه تاخیر روی داد. شماره‌ای که اینک به دست خوانندگان می‌رسد به احتمال زیاد آخرین شماره با قلم قدیم است. ما از این پس کار را در دو جنبه‌های هر هفته و با نظم کوچک که متناسب با شرایط جدید است منتشر خواهیم کرد.

آزادی مطبوعات را سلب کردند تا چگونه سرکوب خلق و اعدام‌های جنایت آمیز پوشیده بماند

● روزنامه جمهوری اسلامی در دروغ پردازی جعل حقایق و عوام فریبی گوی سبقت از رسانهای آریامهری رپوده است

● مردم اجازه نخواهند داد هملن کپهان و اطلاعات آریامهری به آنها تحمیل شود

سرنجام هیئت حاکمه نصاب ارچهره برداشته و ماهیت واقعی خود را که هنوز برای عده‌ای کورن و دنباله روناساخته بود لخت و عریان به نمایش گذاشت. هیئت حاکمه به عنوان مقدمه سرکوب خلق‌ها، اعدام نیروهای انقلابی، ترورهای سیاسی، حمله به دفاتر و ستاد سازمانهای سیاسی، بازداشت انقلابی،

موج و مدع اعدام انقلابیون ناشی از وحشت مرتجعین از آگاهی توده‌هاست

به دنبال سرکوبهای همه جانبه حکومت به سازمانهای مبارز و انقلابی و به راه انداختن جنگ و برادر کشی در سراسر توده‌ها و ورود در قرارداد دادن مردم برای ایجاد هر چه بیشتر تفاق و پراکندگی اکنون مدتی است که این موج حملات وحشیانه و جنایتکارانه بر علیه مردم به ویژه خلق کرد و بر علیه نیروهای انقلابی در سراسر میهن به جریان افتاده است که حاصلش تاکنون صدها کشته و مجروح بوده است. ارتجاع در این شش ماه از قیام تاکنون بارها به چنین تلاشهایی پرداخته بود اما همیشه با واکنش مردم روبرو شده بود. اما سرنجام دیگر در برابر رشده آگاهی‌های مردم طاقت تحمل را از دست داد و مشت خود را پیش از پیش باز کرد. لیکن ارتجاع وابسته به سرمایه داران نهباجم و تجاوز خود را به خلق‌ها و نیروهای بقیه در صفحه ۲

شلاق و شکنجه مسئله گرانی را حل نمی‌کند

در روز دوشنبه گذشته عده‌ای از طایفه در تهران توسط دادگاهها به اتهام گرانفروشی محکوم به زندان و با شلاق در ملا عام شده و حکم در مورد آنان به اجراء آمد. حکم شلاق کسه حکومت آن را به منابه حکمی انقلابی و مردمی در دستگاههای تبلیغاتی خود و نمودگر دالیت اولین مورد شکنجه غیر انسانی کسه و دکانداران نبوده و مسلماً آخرین بار هم نخواهد بود. این شیوه‌ای است که حکومت مدمی است

اعدام و زندانی کردن نیروهای ترقی خواه نشانه ورشکستگی انحصار طلبان است

دیرزمانی نیست که زندانهای سیاسی در اثر مبارزات قهرمانانه خلق و در میان شور و هیجان آنها آزاد شدند و هنوز چیزی از آنهمه قولهای حور و جوهر رهبران سیاسی در مورد پایان یافتن محکومیتهای سیاسی نگذشته است که حاکمیت سیاسی با وفاق تمام همان اقدامات رژیم حنا بکار شاه را آغاز کرده است، پرونده

سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند

Reza Fraunhoferstr. 26 - Zi. 306 1000 Berlin 10

اطلاعموقظمنامهپزشکانوبهرستانرانوگادر درمانی، بیمارستانهای آموزشی تهران

ارتجاع و وابستگی امیرالیسم بار دیگر حادثه ای هولناک آفریدند

دکتر جراح شهید ابوالقاسم رشوند سرداری را که از فداکارترین پزشکان این آب و خاک بود به شهادت تام کسانیکه از نزدیک بالایشان آشنا بودند، از خود گذشتگی و فداکاری ایشان در جراحی انقلابی را باز یاد می آوریم.

دکتر رشوند اهل ساکن تهران بدون وابستگی به هیچ حزب و دسته سیاسی در زیر رگبار گلوله در ۲۲ تیرماه ۱۳۵۸ در تمام روزهای کشتار تهران بی محابا به کمک مصدومین می رفت. در روز بازگشت آیت الله خمینی سرپرست گروه امداد خیابان امیریه را به عهده داشت. در کشتارهای وحشیانه نهباندن روزها به درمان مصدومین آن شهر پرداخت. در تمام صبحهای آن شهرهای ایران بلافاصله با دو طلبان در محل حاضر و به درمان بیماران می پرداخت.

از شروع انقلاب همکاری نزدیک با گروه امداد پزشکی آیت الله طالقانی داشت. آنگاه که ارتجاع در سنج حادثه آفرید و دوش به دوش سایر افراد گروه امداد به کمک مصدومین شتافت بالاخره در جریان پناه در حالی که در رمی به سر می برد بطور داوطلبانه با دو روئینا شل جراحی به طرف آن شهر حرکت کرد تا به کمک مصدومین بشتابد.

در یک کلام، انسانی نمونه از خود گذشته بود ولی از آنجا که امیرالیسم توسط ابدی خود در کمین صادق ترین ها است در سرگناه خونین ۳۰ مردادماه ۵۸ به جوخه اعدام سپرده شد و برگی خونین بر تاریخ خونبار میهنمان افزوده شد.

باشد تا آنکه دم از ستفهمیدن می زند با انقلابیون چنین کنند، تاریخ انقلابیون را بشیر و مرتجعین را محکوم خواهد کرد.

بخصوص روز ورود آیت اله خمینی ایشان سرپرست گروه امداد میدان امیریه بوده اند.

در جریان حادثه سنج برای درمان مصدومین همراه گروه امداد در بیمارستان به آن منطقه رفته و از خود فداکاری های زیاد نشان داده است.

این بار نیز برای انجام تجمیع پزشکی و مردمی خویش مازم پناه شد اما از آنجا که ارتجاع همواره شکاری جسی خادمین به ملت است فاجعه آفرید.

باتوجه به مسائل بالا و با توجه به اینکه دکتر جراح نامبرده به هیچ گروه و حزب سیاسی وابسته نبوده است اعلام وابستگی ایشان به حزب دموکرات نیز بسیار سفیهانه است.

متن پلاکاردها

۱- به علت اعدام ضدانقلابی بزرگ فداکار بیمارستان لقمان الدوله

تبدیل روز قدس به روز قتل آزادیگان و غارت و کتابسوزان

کلیبر- مرتجعین و عناصر فریب خورده و عمال سرسپرده امیرالیسم دوشادوش یکدیگر، روز قدس (جمعه ۲۶ مرداد) راه روز وحشت و تجاوز و قتل و غارت تبدیل کرده و هر کجا که توانستند در پوشش دفاع از اسلام و فلسطین- نیروهای مترقی حمله کردند.

از جمله فجایع متعددی که در این روز به وسیله جماعتی که دستانی که فریاد می زدند "حزب فقط حزب الله صورت گرفت. حمله به کتابفروشی (اولدوز) در بخش کلیبر تبریز بود که منجر به شهادت یکی دیگر از فرزندان مبارز خلق آزادیگان که هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بود، گردید.

حادثه از این قرار بود که هنگام راهپیمایی روز قدس روحانی نمای مرتجعین دست به تحریک مردم علیه نیروهای مترقی و از آن میان فدائیان خلق می زدند و مردم راه طرف کتابفروشی اولدوز می کشاند. حتی چند از جوانان آگاه

تیرباران دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری

نشان دهنده ماهیت مرتجعین کوردل و جنگ افروز است

حلقهای مبارز و آگاه ایران ارتجاع کور و بیدادگر دست خود را به جنایتی بس فجیع تر و تنگن تر زده است. بی فرهنگی و جهل کینه توزانسه مرتجعین، در روز فرهنگیان آگاه و مبارز شهر کرمانشاه را با تمام کوشش به خاطر قابل کتمان است. اعلامیه پزشکیان سازمان یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، سازمان جهانی حقوق بشر و تمام مراجع پزشکی (اعلام جرم می کنیم. دکتر رشوند در دادگاه خلق محاکمه شود.

۵- ما پزشکان مصونیت شغلی می خواهیم.

آنها که از بیداری خلق می ترسند

دیوان و آموزگاران شهر کرمانشاه را به جوخه اعدام سپرده اند

اعتقادش به مداوی همه زخمی ها. کشته اند. اودر بیمارستان پناه حین انجام خدمات پزشکی دستگیر شده و ساعتی بعد در همانجا نیز تیرباران شده است. تمامی کارکنان بیمارستان پناه شاهد ماجرا هستند. حقیقت دیگر غیر قابل کتمان است. اعلامیه پزشکیان کارکنان بیمارستان لقمان الدوله بهترین گواه علیه اراجیف مرتجعین است که دست خود را به خون دکتر رشوند شید آلوده کرده اند.

ما ضمن پشتیبانی از اعتراض برجسته کارکنان و پزشکان بیمارستان لقمان الدوله ادم و حمایت از خواست های آنان هستیم می دهیم که اعدام ناجوانمردانه پزشکیان طی تمام صدها محروم فریب ز بیم دیکتاتوری شاه و پس از تمام صدها قربانی توطئه امیرالیسم راز جنگال مرگ رها شده است. پزشکی که تمام هستی خود را وقف رهایی خلقش ساخته بود نتواند عهده ببرد از ارتجاع بی فرهنگی است که لحظه به لحظه میهنمان را به سوی یک حکومت ترور و وحشت دیگری کشد.

حکومت ترور و وحشتی که منتر منفسور ضد مردمی، نوحش امیرالیسم، جنایتکاری چون دکتر شیخ الاسلام زاده را به سپاه تخصص اش می بخشد تا با ارسن خاطر جنایتکاران را تضمین کند و دکتر رشوند سرداری را به این دلیل که تخصص خود را در خدمت قربانیان توطئه امیرالیسم و ارتجاع قرار داده است طعمه جوخه اعدام می سازد.

چنانچه هولناک و تکان دهنده تحت عنوان مقابله با ضدانقلاب و تحت پوشش اجرای عدالت اسلامی در شهر کرمانشاه به وقوع پیوست. در این کسانیکه در کرمانشاه به اتهام واهی قتل پاسداران اعزامی اعدام شدند تمام دیوان و آموزگاران دیده می شود که هستی شان را در راه بیداری کوردل و جوانان میهن و بیگانه باجهت مسئول خانانوسوز توده هائیده بودند. دست خاندان خود را به دست آنان که ادامه حیات خود را در گرو جهل توده ها یافتند شید شدند.

ما از شرح حال کامل تمامی ۱۱ نفری که اعدام شدند اطلاع دقیقی نداریم. اما شهادت بیدار دل و قهرمان خلقی هرگز گری می بماند و آذرتوش میسد و سایر خوب می شناسیم. هرگز گری میماند دیر فیزیک در بیست و نه سالگی کرمانشاه هیچگونه ارتباطی با وقایع اخیر پناه نداشت. جعلی بودن اراجیفی که در پاره اتهامات او انتشار داده اند چندان آشکار است که فالتیش حتی به خود زحمت اثبات ادعای خود را نداده اند او قربانی توطئه مرتجعین کرمانشاه و در اسان روحانی نمایی به تمام جعلی شد. زیرا روشنگری های گریجی خلاف مصالح همه مرتجعین بود که تنها با فریفتن توده های می توانند به زندگی حقیق خود ادامه دهند. کینه مرتجعین از هرگز گریجی وقتی به خونخواهی بدل شده اود کوشی مرتجعین از مصدق توهین به این شخصیت را افتخار کرد و اجازه نداد که یک مردور کثیف ساواکی مبارزات مردم را لکه دار ساخته و به مبارزین خلق ایران توهین کند و مردم را در جیب نکت با رتبه دارد. هرگز در رژیم شاه نیز به خاطر مبارزات و افتخاری - هایش به زندان افتاد و شکنجه شد. او در اسان چالهای ساواک مردانه استاد و از آرمانهای خلق دفاع کرد و هیچگاه تسلیم نشد. این بار نیز هرگز راه خاطر اعتقاداتش و تلاش خستگی ناپذیرش برای آگاهی توده ها، نیمه شب از بستر بیرون کشیدند و به ناجوانمردانه ترین شکلی که خاطره کشتار بیرحمانه رفیق جزنی و هشت انقلابی دیگر را زنده می سازد به قتل رساندند. ساعت ۱۲ نیمه شب چند نفر مسلح به خانه هرگز در کوچه فرهنگیان کرمانشاه یورش بردند و همانجا او را به ضربات سرنیزه و قنداق تفنگ آفکنده و بیکر خونینش راه زندان دیزل آباد بردند و در ساعت ۴/۴ دقیقه نیمه شب در حیات زندان بادستان و هشتان باز در حالی که از آرمان خلق و حقانیت مبارزات خود دفاع می کرد و زبون و بیست و بیست و یک سالگی اش را در زندان می داد، به جوخه تیر سپرده شد. مبارز دیگر آذرتوش مهدویان دبیر دانشگاه کرمانشاه و دبیر ستانهای شهر، نیز به اتهام داشتن اعتقادات مارکسیستی توسط مرتجعین فالانژ شناسایی و دستگیر شد.

درد و بیگانه بر رفیق شهید رشوند سرداری، رزمنده سنگر کارگران و زحمتکشان نابود باد توطئه های امیرالیسم و ارتجاع سازمان می داد، به جوخه تیر سپرده شد. مبارز دیگر آذرتوش مهدویان دبیر دانشگاه کرمانشاه و دبیر ستانهای شهر، نیز به اتهام داشتن اعتقادات مارکسیستی توسط مرتجعین فالانژ شناسایی و دستگیر شد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۳ شهریورماه ۵۸

زمین از آن کیبانی است که روی آن کار می کند

درد و بیگانه بر رفیق شهید رشوند سرداری، رزمنده سنگر کارگران و زحمتکشان نابود باد توطئه های امیرالیسم و ارتجاع سازمان می داد، به جوخه تیر سپرده شد. مبارز دیگر آذرتوش مهدویان دبیر دانشگاه کرمانشاه و دبیر ستانهای شهر، نیز به اتهام داشتن اعتقادات مارکسیستی توسط مرتجعین فالانژ شناسایی و دستگیر شد.

درد و بیگانه بر رفیق شهید رشوند سرداری، رزمنده سنگر کارگران و زحمتکشان نابود باد توطئه های امیرالیسم و ارتجاع سازمان می داد، به جوخه تیر سپرده شد. مبارز دیگر آذرتوش مهدویان دبیر دانشگاه کرمانشاه و دبیر ستانهای شهر، نیز به اتهام داشتن اعتقادات مارکسیستی توسط مرتجعین فالانژ شناسایی و دستگیر شد.

رهنمودی چند به هواداران

تاکتیک هبانی از وضع از مهمترین وظایف هسته ها است. کسب خبر بیوسه از مناطق حساس، تحلیل وضعیت آن پیش بینی اوضاع و احوال و تغییراتی که ممکن است در مواضع، سیاست و وضعیت هر یک از طرفهای درگیر پدید آید. تحلیل ماهیت طبقاتی هر یک از آنها از وظایف حتی هسته ها است.

۹- تهیه و حفظ مدارات و امکانات مالی برای نیازهای هسته و سازمان از وظایف مهم است. تهیه مدارات از هر قبیل که باشد باید مورد توجه جدی قرار گیرد. برای حفظ این امکانات باید تدابیر امنیتی لازم اتخاذ شود. تجربه نشان داده است که پس از ضبط اموال ماهیچکن و هیچ قانونی خود را موظف به پس دادن آنها نخواهد دید. خانه محل زندگی هواداران فعال نباید به گونه ای باشد که امکان شناسایی محیط مردم را تضعیف کند. در این حال نظریه شرایط بسیار ناپایدار کنونی هواداران فعال باید تدابیر امنیتی لازم برای مقابله با موج تهاجم عدالتی سیاسی باشد. باید ضمن انجام وظایف انقلابی خود، کوشید تا با حداقل امکانات و با حداقل ضربات بیشتر عملکردها به دست آید.

۱۰- محافل و هسته های هواداران موظفند ارتباطات توده ای خود را گسترش دهند. منظور از گسترش ارتباطات توده ای صرف پیوند خوردن با محیط های کاری و دهقانی نیست. هر هوادار فعال موظف است با سایر هواداران رابطه برقرار کند و این روابط را در جریان همکاری های عملی تشکر، سخن شعار نویسی، کارت بلیتی، مطالعه آثار

موظفند ضمن اینکه اوضاع را به دقت زیر نظر داشته و ارتباط خود را با محیط های فعال حفظ می کنند از تجمع خود بخودی و درگیری های ناخواسته به پرهیزند. ۲- توزیع اعلامیه و تراکت بطریق گوناگون، پخش اعلامیه در خانه ها و مشایین ها و در صورت امکان نصب آن در محلات و مناطق مناسب و پررفت و آمد و مراکز تجمع مردم از وظایف دائمی و مستمر هواداران است. پخش باید جزو وظایف روزمره هواداران در آید. بخصیص هواداران فعال موظفند خود نیروی پخش تربیت کنند. نیرویی که بتواند در شرایطی به مراتب سخت تر نیز به کار توزیع، پخش و نصب روزنامه و اعلامیه و پسترها و غیره ادامه دهد. بخصیص توصیه می شود در تقاطعی که از نظر سیاسی فعالیت در آنجا ضرورتی نیست. پسترها و بخصیص اعلامیه های سازمان را با رعایت احتیاط لازم نصب کنند.

۵- در شرایط آتی به علت وجود سانسور در ادبیات تلویزیون و تعطیل مطبوعات اخبار و حقایق به گوش مردم نخواهد رسید. هواداران موظفند تا در هر محلی که می توانند به هر صورت که صلاح می دانند روزنامه های دسوار مناسب درست کنند و اخبار و وقایع صحیح را که سانسور می کنند انتشار دهند و با توضیحات لازم در حاشیه آن و سعادت به افشاکاری بزنند. تجربه روزنامه ها و پسترها افشاکارانه که معمولاً دانشجویان و روزمیری دانشگاه نصب کرده اند نشان داده است که افشاکاری توسط روزنامه یکنی از موثرترین شیوه ها است. ضرورت ندارد که روزنامه دیواری دارای اخطا یا بجهت گیری مشخص به سوی سازمان باشد. مثاله اصلی افشاکاری

افشای عوامل فربان و مزدوران وابسته به امپریالیسم و پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد. انقلابیون راستین در هر گوشه از جهان ثابت کرده اند که درست ترین شرایط نیز با درپیش گرفتن شیوه مناسب فعالیت، توانسته اند مبارزه را به پیش برند و پیروز شوند. در شرایط کنونی که نیروهای انقلابی مورد یورش و هجوم همه جانبه ای قرار گرفته اند باید با درپیش گرفتن

کسانی که ناخواستارند ایستاده در راهی قدم گذارانند که نتیمان چیزی جز هوار کردن راه برای سلطه کامل امپریالیسم نخواهد بود، سرانجام خود نیز در آتش که در سر افروختن آن سهیم خواهند بود، خواهند سوخت.

گذشته ننگین نیروهای ضد مردمی را از یاد نبرده اند. مردم به یاد دارند که چگونه صدای حق طلبانه توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی مدافع آنان با شکنجه، زندان و تیرباران پاسخ داده می شد. مردم به یاد دارند که گذشته خونین و تابناک فدائیان خلق و سایر نیروهای انقلابی را که چگونه با ایمان عدله ناپذیر به پیروزی خلق در مقابل آن همه جنایت و ددمنشی مزدوران و سرپرده گان امپریالیسم و سرمایه داران وابسته، یک لحظه نیز از پای نشستند و در سنگسار زحمتکشان حماسه آفریدند. مردم به یاد دارند که چگونه رژیم سرپرده شاه نیز انقلابیون و فدائیان خلق را خرابکار و عامل بیگانه معرفی می کرد و دست به آزار آن راهب زندان می افکند و بار بار میدانهای تیرمی کرد. چگونه تاریخ حقانیت نیروهای انقلابی و راستین خلق را به اثبات رساند و عوامل امپریالیسم را رسوا نمود. مردم به یاد دارند که چگونه سرکوب شدن، دیکتاتوری و اختناق در برابر نیروی زحمتکشان در هم شکست و بساط ننگین رژیم دیکتاتوری شاه درهم پیچیده شد. مردم میهنمان که تجربیات خونین و گرانمای مبارزه علیه دیکتاتوری و امپریالیسم را از سر گذرانده اند و به خاطر آزادی و استقلال و قطع نفوذ امپریالیسم و تأمین حقوق توده های زحمتکش خلقهای مبارز میهنان هزاران شهید داده اند، باید دیگر زیر بار اختناق و سرکوب نخواهند رفت و سرکوب نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش را تحمل نخواهند کرد. مردم به خاطر آزادی و ناپایداری همه مظاهر ستم و استثمار امپریالیستی خون داده اند و اجازه نخواهند داد که خون شهیدان راه آزادی با پایمال گردد.

هنوز چند ماه از قیام شکوه مند بهمن ماه نگذشته است که انحصار طلبان و عناصر وابسته به امپریالیسم با سرکوب نظامی و تانکهای جنگنده و تانکهای زرهی و آشکار و پنهان و وحشت و برقراری عقابان اختناق و دیکتاتوری به کشتار نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش ستم دیده و مبارز میهنان پرداخته اند. آنها با سرکوب توده های سیاسی می کنند مردم را در درگیری هم قرار دهند تا با ایجاد جنگ داخلی و برادرکشی و تشدید تضادهای درون خلق به اهداف خود برسند. در این میان هستند کسانی که ناخواستارند ایستاده در راهی قدم گذارانند که سلطه کامل امپریالیسم نخواهد بود و سرانجام خود نیز در آتش که در سرافروختن آن سهیم بوده اند، خواهند سوخت. مزدوران سرپرده امپریالیسم تلاش می کنند تا از هر وسیله ای برای تشدید درگیری استفاده کنند و با راهم کارگران، دهقانان، زحمتکشان، پیشه و ورن و روشنفکران و همه اقشار و طبقات خلق را به بند بکشند و خون دهنها هزار شهیده خون حقه خلق را تقسیم آریا با غارتگر خود کنند و دستاوردهای قیام قهرمانانه مردم را نابود سازند. اما ما ایمن داریم که تلاش آنها در اوامی نخواهد آورد و فریب توده های دیپتری نخواهد پاشید و ما بانتر بی درغ خون خود در راه آگاهی دادن به توده ها

بقیماز صفحه ۴

بیانی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره کردستان

انقلاب را به صلح بفرستد. سازمانها و عناصر محافظه گار و لیبرال راهجسون قربانیان بی آزاری خانه نشین و در صورت اعتراض به راحتی سرکوب خواهد کرد. ما از مامانک و توپ و بمب افکن به کردستان را تحقیر آرزوی امپریالیسم می دانیم و از هم اکنون هجوم به کردستان را چیزی جز یک پیروزی برای امپریالیسم به شمار نمی آوریم. اعزام عناصر ضد انقلابی و سرپرده گان و بر جمعیت شناخته شده ای چون چمران و فلاحی هابه منطقه و تلاش برای تسریع ساختن از آنان که سوابق ننگین در خدمت به امپریالیسم و صهیونیسم دارند اهداف ضد خلقی لشکر کشی به کردستان و راه حل نظامی را به خوبی نیاسبان ساخته است. پرونده توطئه گری های مصطفی چمران علیه جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی لبنان همچنان بسته نیخواهد شده و نقش جنایتکارانه او در کک به محاصره تل زهتر و سقوط آن همواره در یاد انقلابیون سراسر جهان زنده خواهد ماند.

چرا به موضی بر آوردن خواستهای مردم به حق و عادلانه خلق کردباردیگر همچون گذشته راه سرکوب خونین دهقانان و زحمتکشان را برگزیده اند؟ کردستان سرزمین دشمن نیست که سبباران کند. کردستان جزئی از میهن ما است. خلق کردی پیش از نیم قرن حکومت فاسد پهلوی بخش ارمنستان خلقهای ایران فقر و ستم و سرکوب را متحمل شده است و چنانچه صادقانه فکر کنیم و همه تنگ نظری ها را به کناری نهیم، بی گمان در خواهیم یافت که تأمین حقوق حقه و رفع ستم منافسی که بر خلق کرد وارد شده، حقوق مسلم این خلق و مورد پشتیبانی همه نیروهای مبارز و انقلابی است.

به دلالتی که بر مردم ما تائید لشکر کشی به کردستان را تسلیم شدن به توطئه های نفاق افکنان امپریالیسم و صهیونیسم می دانیم. ما ستم قدرتی که بیایران سبباران دهیات و وروستاهای آن طرخی است که امپریالیسم راه انداخته تا در پناه آن ساطور قصابی را که با قیام توده های ملیونسی مردم کند و از کار افتاده شده ستم پهلوی معطل دهد. مرتجعین نیوی کوشند در پناه فضای رعب وحشتی که جنگ ایجاد می کند همه سازمانهای انقلابی و پیشرو را، همه ترقیخواهان را تحت عنوان خرابکار، اشرار، ضد انقلاب و مفلسد معرفی کرده همه آزاد بهائی را که با خون هزاران شهید خلق به چنگ آمده است به معمار بربند. اهداف سیاسی جمع فرهنگیان گروانته و بزرگ سببار

بمبارستان لبنان الدوله ادمه، دکتر رشون، سرداری به اتهام حاله زخمی. های قربانی توطئه امپریالیسم، تنهسای گشته ای از کوشش است که برای ایجاد محیط ترور و وحشت در سراسر ایران به راه انداخته اند. تردید نداریم برنده جنگی که اکنون در کردستان به راه افتاده است تنهاتنها امپریالیسم آمریکا و ابادی صهیونیست آن در منطقه خواهد بود.

مانتهاره حل مسئله فلسطینی کردستان راه رسمیت شناختن سازمانهای سیاسی خلق کرد، قبول موجودیت آنها و تأمین حقوق حقه ای می دانیم که در نظام مغفول پهلوی از خلق کرد و سایر خلقهای تحت ستم ایران در پیغ شده بود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۴ شهریور ماه ۵۸

در شرایط نوین ایجاد هسته های انتشاراتی کارایی بیشتر و ضربات احتمالی کمتری خواهد داشت بنا بر این هسته ها محافل هوادار باید در جهت گسترش این قبیل امکانات تلاش کنند و در صورتی که کمبود اعلامیه های سازمان در یک منطقه محسوس شود، فر تکثیر آن بکوشند.

تئوریک و سایر آموزشهای لازم گسترش دهد و بدین وسیله هواداران را که می شناسند متشکل کند. برنامه ها سیاست سازمان و روشهای سازمانی را برای آنان توضیح دهد. رعایت وظایف فعالیت در شرایط عامه و علمی و سیاسی و آموزش این صوابیه به هواداران کم تجربه بسیار ضروری است.

۱۱- روزهای بسیار حساس و متحولی را پشت سر می گذاریم. هواداران باید وظایف روزمره خود را چنان تنظیم کنند که با سرعت کافی امکان تحرک و تطبیق خود با شرایط جدید را داشته باشند. نباید در کارهای عادی و جاری غرق شد. پس از پیروز سرکوبگرانه ای که آغاز شده است باید تحرک لازم را برای منطبق کردن فعالیت خود با شرایط جدید و اتحاد شیوه های نوین را داشته باشیم و با آمادگی برای مواج شدن با هر تحولی را داشته باشیم و بتوانیم به سرعت به شیوه های فعالیت خود را تغییر دهیم.

۱۲- بار دیگر تأکیدی کم رقم رفا باید پایبستگی و انری و با رعایت کامل اصول امنیتی فعالیت خود را گسترش دهند. در شرایط کنونی سازماندهی نیروهای انقلابی از وظایف بسیار مهم و اساسی مان می باشد باید بیکیسیر و فعال برای سازماندهی نیروها بکوشیم.

گسترده یاد همکاری و همگامی همه آنان که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می کنند. همگامی گسترده برای امپریالیسم و عوامل داخلی و خارجی.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱ شهریور ماه ۵۸

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

موزامبیک،

کشوری ره‌اشده از استعمار

قسمت سوم

در سال ۱۹۶۸ دومین کنگره فرلیمو در مناطق آزاد شده برگزار شد و در تشکیل سازمانی در جهت محدود کردن قدرت کمیته مرکزی و دادن اختیارات بیشتر به کمیته اجرائی همه‌پا ایجاد کمیته نظامی و سیاسی که قدرت تصمیم‌گیری بین‌جلسات کمیته مرکزی را داشت تغییراتی داد. همچنین قطعنامه‌های مهمی درباره:

- ۱- بسیج سازماندهی توده‌ها.
- ۲- عضوگیری زنان و مردان جدید برای شرکت در مبارزه مسلحانه به منظور گسترش آن.
- ۳- تولید.
- ۴- حمل و نقل مواد.
- ۵- حفاظت نظامی از مردم مناطق آزاد شده.

در زمینه سیاست خارجی نیز گسترش هر چه بیشتر روابط مادی و معنوی موجود در کشور، و چین توده‌ای، کوبا و سایر کشورهای سوسیالیست پیش‌بینی شد. نتیجه کنگره دوم که جهت‌گیری قاطع ضد امپریالیستی و نقیض رهبری مثبت موندلین را نشان می‌داد باعث وحشت امپریالیست‌ها شد. باتوجه آنکه امپریالیست موندلین در ۱۹۶۹ به وسیله یک بمب‌ناهی (که در کتابی از ایلخانوف جاسازی شده بود) به قتل رسید. پس از این ضربه و بددنیا یک مبارزه ایدئولوژیک حادث گردید، هم‌زمان هم‌فکر موندلین فریسی سامورائیل که شانه به شانه او جنگیده بود در ماه مه ۱۹۷۰ به رهبری جبهه رسید.

بین ماه‌های مه و سپتامبر ۱۹۷۰ برتالیست‌ها حملات شدید و گسترده‌ای را به فرلیمو آغاز کردند. بیش از ۵ هزار سرباز برتالی در عملیات "چرتیک" شرکت‌ها شرکت کردند. این عملیات با هوشتاری و مقابله قاطع فرلیمو هم‌فکر فریسی و هم از طرف نظامی شکست فاشی خورد. این پیروزی نقطه عطفی در تاریخ عملیات نظامی فرلیمو است. پس از آن، فرلیمو به پیشروی خود با استواری هر چه بیشتر ادامه یافت.

پیروزی انقلاب
در اثر رشد مبارزات در موزامبیک و سایر مستعمرات برتالی در افریقا و تارهای مردم برتالی و فشار آنها بر دولت مینسی بر قطع مداخله برتالی در مستعمرات، دولت جدیدی روی کار آمد که ظاهرًا خواستار پایان دادن به جنگ بود. مذاکرات بین فرلیمو به عنوان تنها نماینده خلق موزامبیک و دولت برتالی در سال ۱۹۷۴ آغاز شد و آنجا اکثریت کشور زیر کنترل سیاسی و نظامی فرلیمو بود. در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۷۵ که مصاف با چهاردهمین سالگرد تأسیس جبهه فرلیمو بود خلق موزامبیک به استقلال خود دست یافت و پادشاه سالها مبارزه‌چهرمانانه، خونین و بی‌ایمان و مسلحانه خود را گرفت. پس از آزادی مشکلات بسیاری که بهانگی خلق موزامبیک بود، سالها غارت استعمار و جنگ، کشور را به ویرانه‌های تبدیل کرده بود. کشاورزی از بین رفته بود. بهداشت و امکانات درمانی وجود خارجی نداشت، اکثریت مردم بی‌سواد بودند، کادری فنی و متخصص کافی موجود نبود. خلق موزامبیک می‌بایست بر همه اینها غلبه کند.

کشاورزی و صنعت در موزامبیک

کنگره سوم فرلیمو در سال ۱۹۷۷ تشکیل شد و برنامه منظم و مفصلی را برای توسعه کشاورزی و صنعت تدوین کرد. در این برنامه آمده است:

"به منظور ایجاد پایه‌های اقتصادی برای دموکراسی خلق، احتیاج به افزایش باروری در همه رشته‌های تولیدی است. بنابراین:

- در کشاورزی، ارجحیت باید به مایحتاج غذایی مورد نیاز مردم داده شود.
- در صنعت، تولید محصولات گوناگون باید گسترش یابد.
- باید شبکه تجاری که توزیع

درست محصولات و ذخیره کردن مازاد مصرف را تضمین می‌کند و با پیشگیری از حمل و نقل در ارتباط است به وجود آمد." در ادامه برنامه در خصوص اهمیت کشاورزی و صنعت و رابطه آن با نقش رهبری طبقه کارگر و دولت چنین آمده است:

"با در نظر گرفتن کشاورزی به عنوان اساس صنعت به عنوان عامل کلیدی و محرک در این مرحله ما باید به:

الف - توسعه اجتماعی شدن



کشاورزی و ایجاد صنایع سنگین و سبک ب- توسعه نقش دولت در اقتصاد. ج- کمک به شکل طبقه کارگر به رهبری حزب پیشاهنگش، به منظور دست گرفتن رهبری جامعه.

د- حمایت دولت از تعاونی‌های روستایی و تشویق و حمایت روستاییان در ایجاد کسب‌وکارهای روستایی و غیره. امور روستاییان به خود آنها از طریق شوراهای ده.

بهردازیم و با گسترش بخش دولتی اقتصاد، کنترل دولت بر تولید استوار و گسترش بخش هم‌چنین در برنامه اهداف تولیدات داخلی را رفع نیازهای داخلی دره‌ها اولی و صادرات دره‌ها دوم ذکر کرده‌اند و نیز برای رشته‌های مختلف صنعت، ماهی‌گیری، تورسم، تجارت، حمل‌ونقل ارتباطات، انرژی، ساختمان سازی و ... تصمیمات لازم در جهت ایجاد پایه‌های یک اقتصاد سوسیالیستی گرفته شده است.

آموزش و پرورش
یکی از موانع استعمار، بی‌سوادی اکثریت اهالی موزامبیک بود. کمبود مدرسه و معلم پس از انقلاب به شدت احساس می‌شد. باطلی کردن آموزش و پرورش، دولت خلق شرایط لازم را برای مبارزه با بی‌سوادی فراهم کرد. در برنامه تصریح شده است که:

- سیستم آموزشی باید تضمین کند که کارگران و فرزندان آنها امکان دسترسی به همه سطوح آموزشی را دارند.

- سیستم آموزشی باید در خدمت پیشرفت اقتصادی - سیاسی جامعه قرار گیرد. باید آموزش را با زندگی و مبارزات طبقاتی و اجتماعی در آمیخت. بین‌شوری و عمل، تولید و آموزش ارتباط برقرار شود برای عمل کردن برنامه ایجاد مدارس و تربیت معلم با پیگیری از طرف دولت دنبال می‌گردد.

بهداشت.
در دوران تسلط استعمار، هر سال تعداد زیادی از کودکان و اهالی به خاطر کمبود خدمات درمانی می‌مردند. اما پس از انقلاب باطلی کردن خدمات درمانی راه برای ایجاد و توسعه این خدمات آماده شد. در درجه اول تکیه دولت بر پیشگیری از امراض استتسا مدوای آنها، در اجرای این سیاست پیش‌بینی شده بود که تا سال ۱۹۷۹ همه مردم بر علیه آبله و ۵۰۰ هزار کودک زیر ۱۵ سال بر علیه سل، واکسینه شوند. طبق این برنامه تا سال ۱۹۷۸ می‌بایست کسب سیستم‌های بهداشتی در محل کار و محیط از مادر و کودک و همچنین بهداشت خانوادگی ایجاد می‌گردد. در برنامه توسعه بیمارستانها و تربیت پزشک‌ها در

انقلابی و هواداران طبقه کارگر با تکیه بر ناآگاهی گروه‌های مردم ناآگاه اعمال می‌نماید که این خود شیوه‌ای به مراتب وقیحانه‌تر از هر روش دیگری است. چراکه با اعمال چنین روشهایی عملاً مردم در مقابل هم قرار گرفته و توده‌های ناآگاه به دست یکدیگر گشته می‌شوند و در این بساط تاکنون تنها کسانی سود برده‌اند که منافع قشری و ارتجاعی خود را مقدم تر از همه چیز یعنی آزادی و تأمین زندگی زحمتکشان می‌دانند.

اما در اینجا تکیه مافقر بر افشای یکی از اعمال جنایتکاران سرسپرده و مزدوران به قدرت غریبه است.

مردم مادرهفته‌های اخیر هر روز شاهد موج وسیعی از اعدام‌ها و تیربارانهای ده‌ها نفر از بهترین فرزندان خلق بوده‌اند که در جریان مبارزات ضد دیکتاتوری با رژیم محمد رضا شاهی از چهره‌های آن به شامی رفتند و اکنون مورد غضب فاسدین به قدرت رسیده قرار گرفته‌اند و مستوجب "عدالت اسلامی" شده‌اند اما به راستی علت چنین تهاجمی از طرف ارتجاع به نیروهای انقلابی چیست؟

آنچه مسلم است ارتجاع در طول ماه‌های اخیر از افزایش روزافزون آگاهی‌ها در بین توده‌های مردم بخصوص زحمتکشان ترسیده است. دهقانان، کارگران، پرسنل انقلابی ارتش و غیره به همراه افتاد. چرا که آگاهی زحمتکشان خطرناک است. برای سرمایه‌داران وابسته و انحصارگران بین‌المللی به وجود خواهد آورد و از آگاهی که انحصارطلبان با راه‌های نفاق‌های بازگشت فارتگران سرمایه‌داران فراری رداشته اند و از آنجا که سرمایه‌داران فراری در صورت آگاهی بیشتر زحمتکشان به منافع طبقاتی شان دیگر قادر به ادامه حیات و جهاول به شیوه گذشته نمی‌باشند انحصارطلبان بر آن داشت تا برای چنین مشکلی که همانا به خطر افتادن منافع خود می‌بود دست به چنین اعمالی زندگه خشم و نفرت توده‌های زحمتکشان خلق و انقلابیون واقعی را برانگیزد.

در ماه‌های گذشته مداخله سرمایه‌داری وابسته مرتب تلاش داشته‌اند سرمایه‌داری وابسته را بی‌درنگ ترمیم کنند و وضعیت گذشته را حفظ کنند. اما سازمانهای انقلابی مردم نیز هشیارانه نقشه‌های توطئه گرانوعه طلبانه آنها را افشامی کردند و مردم را از مواهب و غیبت رشد چنین سیاستی بجز درمی‌داشتند و این مراحل بود که بافتاری ماهیت سدمردمی انحصارطلبان مشت آنها بازمی‌شد و این دیگر چیزی قابل تحمل نبود. دست‌اندرکاران و حامیان انحصار

موج وسیع اعدام انقلابیون...

طبلان قشری‌نیز شیانه روز می‌کردند که با استفاده از کلیه امکانات موجود (مساجد، تگابا و رادیو-تلویزیون) به سمایش همه‌جانبه‌ای علیه نیروهای انقلابی و صدیق خلق سپردند. تهاجم عمومی اهداف چنین سازمانهایی را وارونه جلوه دهند تا با این کار خود نزدیک‌تر به اهداف سازمانهایی پیشرو انقلابی چند صاعی دیگر به عقب اندازند.

انحصار طلبان با استفاده در سب از رادیو-تلویزیون عوام‌فریبانه گوییدند مردم را در دردی نیروهای انقلابی و صدیق خلق قرار دهند. آنان با جعل حقایق در صدد برآمدند تا افکار عمومی را برانگیخته و برادرکتی را امر واجب و لازم الاجرا قلمداد کنند و به این ترتیب بتوانند زمان بیشتری را به سلطه جابرانه خود اختصاص دهند.

جلادان رژیم کنونی نیز شیوه‌های آریامیری توستل جستند. آنان یازده تن از بهترین فرزندان خلق را با چشمان باز در رهاپانهای زندان دیزل-آباد گراناشه نشاندند و در حالیکه فریاد حماسه آفرین آنان در دفاع از انسان زحمتکشان و خلقهای تحت ستم گریه بر اندام جانان انداخته بود در لا و روانه مرگ را پذیرا شدند.

اعدام هرگز گریه بهانی و آدرنوش مبدوبان بود مگر باران شهیدان خاطر ه اعدام ۹ تن از زندگان خلق را در رژیم شاه (بهن جزئی و ...) زنده کرد و می‌بینم مشابهت‌های اعمال جنایتکاران را که چگونه از شیوه‌های یکدیگر برخوردارند. مردم تبلیغات رژیم سابق را در وارونه کردن حقایق در مورد انقلابیون به خوبی به یاد دارند و این بار نیز می‌بینم که چگونه حاکم چون، صادق خلغالی با اعدام مبارزینی چون دکتر رشوند که در اغلب جنگ‌افروزی‌های مرتجعین در ماه‌های اخیر به یک مردم جنگ زده می‌شمارد و به مدوای آنان می‌پرداخت ماهیت خود را نشان می‌دهد و از دیدیم که اعدام نظامیان انقلابی گروه کرده اتمام تاجایی که پاره‌ای از نشریات وقیحانه به چاپ عکس لفظه نیز باران گروهبان رزمندگان از این نظر پزینا بکار فاشیستی شان راه مردم تحمل کنند. یوسف کتی زاده و امیر سومید سیکاری از دیگر انقلابیون راستینی بودند که در کردستان در راه آزادی جان دادند و از خلق‌ها و زحمتکشان دلیرانه‌مان باخندند. یادنامی شهیدای دلیر خلق گرامی باد.

شکست بهائی مرتجعین و جنگ افروزان بار دیگر به آنان درس بس عظیمی را خواهد آموخت که پیروزی از آن خلق‌هاست.

بقیه از صفحه ۸

هدف کودتا از نظر...

می‌شود. آنها این مسائل در تناقض با هم نیستند؟ اگر او قاطع خطر دخالت امپریالیسم و توطئه عوامل رژیم سابق مطرح است پس چرا به عوض بسیج مردم و استفاده از تمام نیروهای ضد امپریالیست و دموکرات جامعه برای سرکوب ضدانقلاب به سرکوبی مردم پرداخته می‌خواهند؟ خلق صلاح عمومی را عملی کند؟ آیا این امر خلق صلاح مردم و نیروهای انقلابی در مقابل ضدانقلاب نیست؟ آیا این به قول معروف "بستن سنگ و باز کردن گک نیست؟" آیا این مسئله واقعه پارک اتابک در زمان انقلاب مشروطه راه یابد نمی‌آورد که مجاهدین و فدائیان مشروطه نظیر ستارخان و باقرخان را در مقابل ضدانقلاب و امپریالیسم خلق صلاح کردند تا زمینه برای روی کار آمدن رضا خان فراهم شود. آیا این اقدامات ضد دموکراتیک و خلق صلاح عمومی مردم نمی‌آورد که در مقابل تجبیض ضدانقلاب مردم دست خالی و خلق صلاح بودند؟ هر چند شرایط جامعه مادر حال حاضر را زمان ۲۸ مرداد تفاوت داشته و نقیض نیروها تغییر کرده است ولی هنوز مسائلی وجود دارد که در مقایسه با ۲۸ مرداد می‌توان از آن عبرت گرفت.

شکست ۲۸ مرداد به مای آموزشی که پیشاهنگ واقعی و انقلابی طبقه کارگر باید هدف مستقل خود را در میان برهاری دیگر حفظ کند. برای خود برنامه و استراتژی مشخص داشته باشد و برای مقابله با ضدانقلاب و امپریالیسم دره‌ها اول به نیروی خود متکی باشد. ضمن آنکه باید برای همکاری و وحدت با سایر نیروهای دموکرات و ضد امپریالیست بکوشد.

شکست ۲۸ مرداد به مای آموزشی که پیشاهنگ طبقه کارگر باید در مبارزه علیه دشمن با قاطعیت انقلابی عمل کرده و همیشه آماده باشد از ساده‌ترین تا عالی‌ترین اشکال مبارزاتی استفاده کند. - و بالاخره شکست ۲۸ مرداد به مای آموزشی که پیشاهنگ طبقه کارگر باید تا پیروزی نهایی بردشمن خلق، دشمن و توطئه‌های آن را دست کم نگرفته و همیشه برداشت روشنی از حرکات دشمن داشته و به موقع در صدد مقابله قاطع و تهاجمی جان برآید.

این چهاردهی است که ما برای پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک خود از او قاطعانه نظیر کودتای ۲۸ مرداد می‌توانیم به‌اموزیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

متن ساده شده يك مقاله از رفیق امیر پرویز پویان

اکنون ره بر کدامین بی نشان قله است ؟ در کدامین سو ؟

صمد از دیدگاه امیر

پس از شهادت صمد، رفیق شهید امیر پرویز پویان که در آخرین سالها و ماههای عمر صمد، بسیار به او نزدیک شده بود، در "آرش ویژه صمد" مقاله ای نوشت با نام مستعار "علی کبیری" برای بزرگداشت این رفیقی که پس دیر به دست آمدند و پس زود از دست رفته بود. اکنون در آستانه هفته بزرگداشت صمد، مقاله رفیق پویان را در این شماره چاپ می کنیم و در شماره بعد مطالب بیشتری را به "صمد معلم ما" اختصاص خواهیم داد. نکته ای که باید تذکر داد این است که این مقاله در سال ۱۳۴۷ و در زمانی نوشته شده است که نویسندگان و روشنفکران بازمانده پیچیده تری چیزی نوشتند. این امر دودلیل داشت.

۱- جو اختناق آمیز و استبداد حاکم و سانسور شدید که هر نویسنده ای را ناگزیر می کرد با زبان پهلیدی سخن گوید تا از تعقیب و سانسور در امان بماند.

۲- وجود ارتباط های روشنفکرانه و نیز انتشار محدود نوشته ها که در سطح عام و برای عموم مردم نبود و طبعاً نویسنده به یک محدوده کلامی و زبانی دشوارتر روی می آورد.

اما اکنون که مانشریه کار را با تلاشی هر چه بیشتر به سادگی کلام نزدیک می کنیم لازم دیدیم که برخی از جملات این مقاله رفیق پویان را نیز به زبان ساده تری باز نویسی کنیم تا توضیح دهیم تا برای عده بیشتری قابل استفاده باشد.



به انسان ها قدرت و نیروی به اندازه کوه می دهد. می دانست که با شناختن واقعیت ها و نیز با ایمان به شناختن انسان می تواند عزم و اراده خود را با عزم و اراده تاریخ (یعنی سیر ناگزیر تاریخ) به هم بآمیزد و به آن پیوندد و زنده و آزان برای تغییر دادن شرایط جامعه خود استفاده کند.

"سالهای سال"

کرم کارخوبش بود. ما چه حرف ها که می زدیم. او چه قصه ها که می سرود. بودن. رابزدگی را بر کزیده ایم اما دیگر به "چگونه بودن" و چگونه ندگی کردن کمتر اندیشه کرده ایم. چگونه بودن "راوا" را که چگونه با درستی، در صورتی می توان به درستی شناخت که مسئله "چرا بودن" برای ما روشن شده باشد. یعنی بدانیم که اصولا چرا زندگی می کنیم و هدف از زندگی چیست و انسان های آگاه می دانند که چگونه باید بود. می دانند که خوب باید بود.

کسانی که به "تکامل" اعتقاد دارند بهتر از هر کسی به "چرا بودن" و هدف زندگی آگاهی دارند و اگر از آن سوال شود که "چگونه باید بود؟" تنها پاسخ ایشان چنین خواهد بود:

باید در جهت همین تکامل گام برداشت و در هموار کردن راه برای آن، فحش خلاق و فعال را به عهده گرفت و صمد رهرو خستگی ناپذیر این راه بود. او جامعه خود را به خوبی می شناخت و از تضادی که بر آن حاکم بود کاملاً آگاه بود. او اعتقاد داشت که برای آنکه جامعه بشری تکامل یابد، باید برای ایجاد شرایط مناسبی که در آن دیگر در اثر یک روابط خاص اجتماعی در میان انسان ها نابرابری و تفاوت و تبعیض به وجود نیاید و چشم انداز جامعه ای که در آن هیچ انحرافی از نابرابری نباشد، همواره صمد را به سوی خود می کشید. می دانست که "آگاهی"

در بیست و ششمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد، رژیم کودتایی سرنگون شده ولی انقلاب در نیمه راه باز مانده است (قسمت سوم)

هدف کودتا از نظر امیر یالیستها و ارتجاع داخلی چه بود

کابینه کودتا و وظیفه اساسی داشت. اول سرکوبی جنبش ضد امپریالیستی و تحکیم موقعیت سیاسی رژیم. دوم - حل مسئله نفت که راهگشای مسائل اقتصادی در خدمت انحصارات امپریالیستی، پس از کودتا بود. سبب زاهدی شخصاً وظیفه اول را رهبری می کرد و علی امینی مسئول حل مسئله نفت بود. در کابینه کودتا و استبان امیریکا و انگلیس همگامی داشتند ولی حساسیت موقعیت آنها در می کرد که به امریکا و ولوموقتانسی هم می دادند. به همین دلیل زاهدی و امین اعضای اولین کابینه دکتر صمدی (که عوامل امپریالیزم و امریکا بودند) چنین نقشی داشتند. سرکوبی جنبش ضد امپریالیستی مردم توسط فرمانداری نظامی به بهای کشتن کتبخ و اسارت هزاران تن از کمونیستها و میلیون ایران صورت گرفت که در این میان رژیم، کمونیستها را خط مسمد و محاسب می آورد همه نیروی خود را برای قلع و قمع آنها به کار گرفت.

جنبه ملی فاندازمان مخفی و تحکیمات محکم و منظم و اعضای قابل توجهی بود، بنابراین رژیم هم بهایی به آنها نمی داد.

وظیفه دوم کابینه کودتا که حل مسئله نفت بود، پس از یکسال سرکوبی جنبش جامعه عمل پوشیدند. در قرارداد آبی که به قرارداد "امینی پیسج" معروف است یک کنسرسیوم بین المللی نفت ایران را تصاحب کرد.

در این کنسرسیوم انحصارات انگلیسی ۴۵/۶، امریکائی ۴۰، هلندی ۳/۸ و فرانسوی ۵ درصد سهم داشتند. به این ترتیب امریکای هدف دیرین خود که شرکت در نفت ایران بود رسید.

چگونه باید از تاریخ خبری گرفت؟ شکست ۲۸ مرداد ضرب سنگینی بود بر یک جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ما. این ضربه جنبش را در هم شکست داد. اگر در مقابل کودتای ۲۸ مرداد نیروهای انقلابی هتیار بودند، اگر به موقع به مقابله انقلابی بر می خاستند چه بسا اکنون جنبش خلق ما در مرحله ای بسیار پیشرفته تر قرار داشت. ولی اگر چه برای ما اگر چه مطرح نیست ولی می توانیم با شناخت در گذشته، اجازه ندهیم حوادث ناگوار گذشته تکرار شود.

باقیم شوک همدیگر بهمن ماه جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای ما توانست دوره ای از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی را پشت سر گذارد. سقوط

برخی از جوانب حوادث پاره

برخورد انحصار طلبان و تنگ نظران درون هیئت حاکمه با مسئله کردستان چیزی جز دامن زدن به جنگ داخلی و درون خلقی نمی باشد.

پس از حادثه مرغان، عناصر ارتجاعی منطقه کردستان با کمسک همدستان خود در هیئت حاکمه کوشش می کنند که منطقه کردستان را سا آرام و نامودنا پند و آوازی طریق در صدد سرکوب مبارزات عادلانه و حقوق طلبانه خلق کرد برآیند. به همین منظور روزهای قبل از جنگ پاره در شهرهای مختلف کردستان مثل کرمانشاه، سنندج و... با ترتیب دادن تظاهراتی که اساساً نیروی توده ای زیادی هم از آن حمایت نمی کرد، خواستار دخالت ارتش و پاسداران در منطقه می شوند و با این درخواست در خواست طرح شده از طرف پاسداران دقیقاً برخلاف نظر توده های خلق کرد بود. آنها خواهان تشکیل سپاه پاسداران بومی و تشکیل شوراهای شهری و روستایی بودند. برای پیشبرد چنین هدفی قبلاً عناصر علوم الحالی چون دکتر چمران کوشش نمود شوراهای انقلابی شهرهای کردستان مثل مرغان را غیر

اعتراضات و تظاهرات مردم علیه گرانی

بکنفر تهریزی داین مردم همانهایی هستند که رژیم شاه را برانداختند و حالا هم حق خودشان را می خواهند.

محروریت های شدید و زجر دهنده بی رحمانی می کنند. این فشار بخصوص بر آنهایی که دارای زن و فرزند هستند، به مراتب شدیدتر و آزار دهنده تر است. نمونه های این فشارها و محرومیتها بسیار زیاد است. کافی است به دوروبر خود توجه کنیم و ببینیم هر کجا که در دلد نشسته اند از فشارهای جسمی و روحی و عاطفی شدیدی که در اثر محرومیت خود و خانواده شان بر آنها وارد می شود، صحبت می کنند، اینکه تابان آمد و رفت و آنها موفق نشدند حتی یک بار هم سبزه درست و حسابی به خانه ببرند.

دولت و دیگر مسئولین امور هم بنا به ماهیت طبقاتی خود که معایب استاز سرمایه داران است، هرگز واکنشی قاطع و موثر در مقابل این فشارهای نداشتند. نشان ندادند. زحمتکاران را

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر